

نشانه‌شناسی فرهنگ سیاسی مقاومت در دفاع مقدس

دکتر زهره پوستین چی*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۲/۱

تاریخ تأیید: ۱۳۸۹/۳/۲۰

چکیده

زمانی که جنگ عراق علیه ایران شکل گرفت بسیاری از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی بر این باور بودند که «موازنه قدرت» به نفع عراق و ناسیونالیسم عرب در حال تغییر است. در این برهه، صدام حسین به عنوان نماد همبستگی هویت عرب رادیکال در خاورمیانه محسوب می‌شد. کشورهای محافظه‌کار عرب نیز نسبت به پیامدهای انقلاب اسلامی ایران نگران بودند. آنان به دلیل چنین رویکردی، در روند جنگ علیه ایران از صدام حسین حمایت کردند. پرسش اصلی این مقاله بر این امر تأکید دارد که «چه عواملی، نقش تعیین‌کننده و موثری در مقاومت ایران در برابر تهاجم نظامی عراق داشته است؟» فرضیه‌ای را که می‌توان در نظر گرفت این است که «مولفه‌های فرهنگ سیاسی-ایدئولوژیک ایران همانند شهادت، ایثار، فداکاری و از خودگذشتگی، عامل اصلی مقاومت در برابر عراق و قدرت‌های بزرگ بوده است.» برای تبیین این موضوع از رهیافت سازه‌انگاری استفاده می‌شود، زیرا سازه‌انگاری مبتنی بر نقش‌تکوینی عوامل فکری-فرهنگی در برابر مادی‌گرایی ابزاری و عقلانیت اثبات‌گرایانه قرار می‌گیرد. این روند، عامل اصلی مقاومت در برابر تهاجم نظامی و ابزارگرایی میلیتاریستی عراق در حمله به ایران محسوب می‌شود.

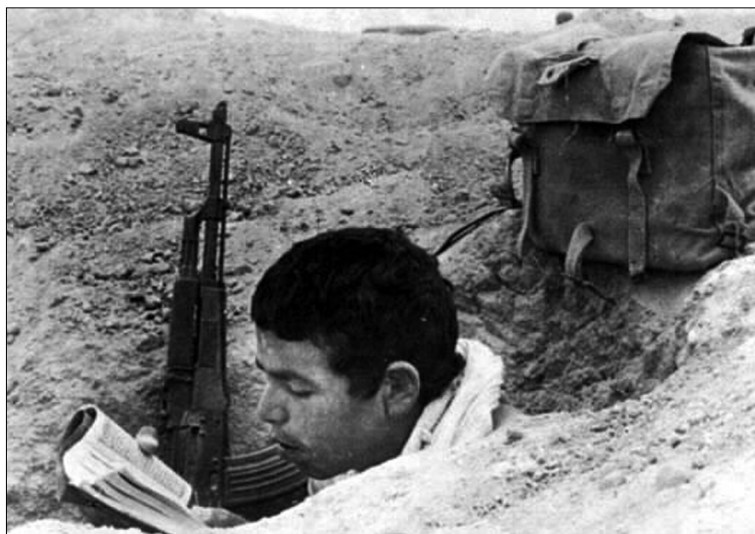
واژه‌های کلیدی: ایدئولوژی، ناسیونالیسم ایرانی، شهادت، موازنه هنجاری، آرمان‌گرایی، بسیج اجتماعی، اعتقادات ساختاری

مقدمه

سیاسی ایران ماهیت هویت‌گرا، عدالت‌جویانه و شالوده‌شکن داشته است. این امر نشان می‌دهد که انقلاب ایران توانسته جلوه‌هایی از ساختارشکنی بین‌المللی را در برابر اقتدار بازیگران مسلط بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ

شاخص‌های فرهنگ سیاسی ایران که در روند جنگ ایران و عراق تأثیر قابل‌توجهی به جا گذاشت، متنوع بوده و هر یک از آنان توانسته جلوه‌هایی از قدرت و مقاومت را بازتولید نماید. به عبارت دیگر، بسیاری از شاخص‌های فرهنگ

*استاد مدعو گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران



به وجود آورد. چنین فرآیندی در دوران جنگ عراق علیه ایران بازتولید گردید. این امر نتایج موثرتری را در شکل‌گیری جنبش اجتماعی کشورهای خاورمیانه و همچنین جنبش مقاومت اسلامی از جمله جنبش‌های اسلامی در لبنان، مصر، عراق، کویت و بحرین ایفا نمود (متقی، ۱۳۸۷: ۲۳۳).

مذهب و مولفه‌های

مذهبی، در اسطوره‌سازی جنگ نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. به عبارت دیگر، بسیاری از اسطوره‌های جنگ ایران و عراق تحت تأثیر شاخص‌های فرهنگی، مذهبی و تاریخی شکل گرفته است. بکارگیری واژه‌هایی نظیر «فتح کربلا» را می‌توان به عنوان یکی از اصلی‌ترین مولفه‌های انتقال ارزش‌ها و شاخص‌های دینی در فرآیند منازعات دو کشور دانست. این امر از یک سو دارای نشانه‌های مذهبی بود و از سوی دیگر با آموزه‌های تشکیل‌دهنده فرهنگ سیاسی ایران پیوند گسترده و پایان‌ناپذیری داشته است. بکارگیری چنین واژه‌هایی، انگیزه جوانان و شهروندان ایرانی برای بهره‌گیری از قالب‌های دینی و انتقال آن به حوزه کنش سیاسی و نظامی را تسهیل نمود.

در چنین فرآیندی، جنگ ایران و عراق توانست مولفه‌های فرهنگ اجتماعی را که در طول سالیان طولانی، ماهیت دینی و اجتماعی داشته، به حوزه نظامی و استراتژیک انتقال دهد. به عبارت دیگر، نشانه‌های یاد شده به همراه احساسات نهفته و اعتماد به نفس گسترده جامعه

ایرانی، امکان مقاومت در برابر فشارهای سیاسی جهان غرب و عملیات نظامی گسترده و پرحجم ارتش عراق علیه یگان‌های نظامی و شبه نظامی ایران را به گونه قابل توجهی گسترش داد (۳۲: Nafisi, 1992).

نشانه‌های فرهنگی که در فرآیند دفاع مقدس نقش تعیین‌کننده‌ای داشته، از تنوع قابل توجهی برخوردار بوده است اما برخی از این مولفه‌ها آثار موثرتری در ارتباط با شکل‌گیری «قدرت مقاومت» نیروهای نظامی ایران در فرآیند جنگ تحمیلی به جا گذاشته است. در این ارتباط می‌توان به شاخص‌های حماسه عاشورا، اسطوره آرش کمانگیر، شهادت‌گرایی ایدئولوژیک، آخرت‌گرایی و همچنین روح رمانتیک جامعه ایرانی برای مقاومت و آخرت‌گرایی اشاره داشت. هر یک از این مولفه‌ها، شاخصه‌های قدرت مقاومت را تشکیل می‌دهند.

در این مقاله تلاش می‌شود برخی از نشانه‌های فرهنگی-ایدئولوژیک در فرآیند جنگ تحمیلی مورد بررسی قرار گیرد. این امر، زمینه‌های ارزیابی

تضاد هنجاری ایران و عراق مورد بررسی قرار گرفته و به موازات آن، تأثیر مولفه های هنجاری بر کنش نظامی و استراتژیک ایران مورد آزمون و بررسی قرار گیرد. لازم به توضیح است علت اصلی تداوم موازنه قدرت در فرآیند دفاع مقدس، بهره گیری ایران از شاخص های «قدرت نرم» به ویژه مولفه های اعتقادی و آرمانی محسوب می شود.

۱) سازه انگاری و نشانه شناسی فرهنگ سیاسی مقاومت

بسیاری از شاخص های فرهنگ سیاسی ایران ماهیت هویت گرا، عدالت جویانه و شالوده شکن داشته است

سازه انگاری یکی از نظریات جدید روابط بین الملل محسوب می شود که قالب های تیوریک و تحلیلی آن در برابر رهیافت های نئورئالیستی قرار دارد. «کنث والتز» در روند تکامل اندیشه های رئالیستی و در تکمیل این نظریه، رویکرد جدیدی را براساس

قالب های مفهومی و هستی شناسی رئالیستی، ارائه داد. وی نظریه نئورئالیست یا رئالیسم ساختاری را تبیین نمود. والتز بر این باور بود کنش بازیگران در سیاست بین الملل تحت تأثیر مولفه های ساختاری قرار دارد؛ بنابراین، تصمیم گیری و نقش آفرینی نخبگان سیاسی در هر کشور نمی تواند تأثیر تعیین کننده ای بر فرآیندهای بین المللی ایفا نماید. وی برای ساختار نظام بین الملل و چگونگی توزیع قدرت در سیاست بین الملل اهمیت ویژه ای قائل بود و از سوی دیگر تلاش نمود تا نقش ساختار و

نقش مولفه های فرهنگی-ایدئولوژیک ایران را فراهم می سازد. در دوران جنگ تحمیلی، شاهد تهییج نیروهای اجتماعی برای گسترش عرصه مقاومت مردمی در برابر تهاجم نظامی عراق بودیم. باتوجه به فرآیند یاد شده می توان به این جمع بندی رسید که انقلاب اسلامی ایران توانست «آموزه های دینی» را به «تکلیف سیاسی» تبدیل نماید. این تغییر، انگیزه کنش گری نیروهای اجتماعی را ارتقاء داد و توانست فرهنگ دینی و نیروی اجتماعی را به یگان های عملیاتی در برابر تهاجم عراق تبدیل نماید.

طبعاً رهیافت سازه انگاری بیش از سایر رویکردهای نظری-تحلیلی روابط بین الملل می تواند نقش اسطوره ها و نشانه های حاصل از فرهنگ سیاسی-دینی ایران را در روند جنگ تحمیلی تحلیل کند. در این ارتباط، شکل گیری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یکی از ساخت های سیاسی-نظامی، از یک سو انعکاس انقلاب اسلامی بوده و از سوی دیگر تهییج کننده نشانه های نهفته فرهنگ سیاسی در مقاومت استراتژیک محسوب می شود.

اگرچه سپاه پاسداران دارای ویژگی ساختاری-کارکردی نظامی و امنیتی می باشد، اما مولفه های دینی به همراه آموزه های فرهنگ سیاسی ایران بر روند شکل گیری و تداوم فعالیت این نهاد انقلابی در دوران جنگ تحمیلی، آثار و نتایج اجتناب ناپذیری داشته است. به این ترتیب می توان گفت شکل گیری «پارادایم کربلا» براساس قالب های ادراکی، اعتقادی و استراتژیک سپاه پاسداران در فرآیند جنگ تحمیلی تکامل یافت.

در این مقاله برخی از شاخص ها و نشانه های معنایی مذهب شیعه از جمله شهادت، ایثار، فداکاری و از خودگذشتگی مورد بررسی قرار می گیرد. در این روند، تلاش می شود ریشه های

به عبارت دیگر، مبانی هستی‌شناسی سازه‌انگاری، ترکیبی از مولفه‌های فرهنگی و ساختاری است. سازه‌انگاران به موازات مولفه‌های ساختاری در سیاست بین‌الملل تلاش دارند نشانه‌های فرهنگی، قواعد اجتماعی و آموزه‌های نهفته یک جامعه را برجسته نموده و تأثیر آن را بر کنش سیاسی- بین‌المللی مورد سنجش قرار دهند.

بنابراین مولفه‌های فرهنگی- ارزشی در شکل‌گیری «عوامل تکوینی» فرهنگ سیاسی مقاومت در ایران تأثیرگذار بوده است. این امر نشان می‌دهد مادی‌گرایی پوزیتیویستی در سیاست بین‌الملل نمی‌تواند نقش محوری در حوادث سیاسی داشته باشد و نیازمند نشانه‌های فرهنگی و اجتماعی است که از درون فرهنگ سیاسی جامعه الهام گرفته باشد. همان گونه که قواعد تکوینی براساس مولفه‌های فرهنگی- اجتماعی شکل می‌گیرد، تحولات بین‌المللی و حوادث امنیتی نیز با مولفه دیگری به نام «قواعد تنظیمی» پیوند دارند. قواعد تنظیمی، ماهیت ساختاری دارند در حالی که قواعد و مولفه‌های تکوینی انعکاس فرهنگ، ارزش و اندیشه نهفته در جوامع مورد نظر محسوب می‌شوند (15: Risse, 2000).

فرآیند مقاومت در جنگ تحمیلی نشان داد که می‌توان از طریق کنش انسانی فرهنگ محور، بر قواعد جهان مادی و حتی قواعد تنظیمی تأثیر گذاشت. در این فرآیند، پویایی‌های فرهنگ سیاسی می‌تواند شکل جدیدی از تعامل انسانی را به وجود آورد. این امر به معنای نقش جهان اجتماعی در شکل دادن به شاخص‌ها و فرآیندهای جهان مادی محسوب می‌شود. فرآیندهای اجتماعی- فرهنگی می‌تواند در زمان، مکان و یا برخی از حوادث سیاسی نقش منحصر

سیاست بین‌الملل در حوزه سیاست خارجی کشورها را برجسته نماید (25: Waltz, 1979). زمانی که انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت، «الکساندر ونت»^۱ به همراه برخی دیگر از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل از جمله «راگی»^۲ و «اوناف»^۳ سطح تحلیلی جدیدی در ارتباط با فرآیندهای بین‌المللی ارائه کردند. اگرچه کنث والتز از نظریه ساختاری حمایت به عمل می‌آورد و نقش ساختار نظام بین‌الملل را در تحولات منطقه‌ای برجسته می‌ساخت، اما سازه‌انگاران، مولفه‌های فرهنگی، ارزشی، ایدئولوژیک و ایستاری را مورد تأکید قرار دادند و رهیافت جدیدی را برای تبیین حوادث و فرآیندهای بین‌المللی ارائه کردند. از آنجا که این نظریات بعد از شکل‌گیری انقلاب اسلامی و مقاومت جامعه ایرانی در برابر فشارهای بین‌المللی و نیز وقوع جنگ تحمیلی ارائه شده،

می‌توان گفت حوادث و پیامدهای انقلاب اسلامی ایران توانسته بر شکل‌گیری رهیافت‌های جدید به ویژه رهیافت‌هایی که با روح انقلاب ایران و نشانه‌شناسی مقاومت در جنگ تحمیلی هماهنگی بیشتری دارد، نقش تأثیرگذاری داشته باشد (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۲۷). سازه‌انگاران به انگاره‌ها، معانی، قواعد، ایستارها، تصورات، هنجارها و رویه‌های اجتماعی توجه داشته و آنها را در شکل‌گیری مولفه‌های تکوینی کنش سیاسی، موثر می‌دانند.

انقلاب ایران توانسته جلوه‌هایی از ساختارشکنی بین‌المللی را در برابر اقتدار بازیگران مسلط بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ به وجود آورد

1. Alexander Wendt

2. Ruggie

3. Onuf

4. Constitutive Factors

5. Regulatory Rules

سرنوشت‌سازی پیدا کرد. در چنین فرآیندی، نشانه‌های تاریخی با واقعیت‌های سیاسی پیوند یافت، در نتیجه زمینه برای واکنش جامعه ایرانی برای مقابله با قدرت‌های بزرگ و نیروهای نظامی عراق در جنگ فراهم شد. «گراهام فولر» در این ارتباط تأکید دارد که:

«خصوصیات روان‌شناختی اسلام شیعی که تأکید بر فضایی از رنج و بی‌عدالتی را بهای ناگزیر تعهد به ایمان حقیقی می‌داند، این سوء ظن بیگانه‌ترسی تاریخی را تقویت می‌کند. بنابراین نوعی سوء ظن و نخوت نسبت به دنیای

خارج با تصمیم جدی برای کسب استقلال و عدم آمیزش با قدرت‌های خارجی شکل گرفته است. در دنیایی که غالباً زیر سیطره نیروهای خارجی ویرانگری بوده که سعی داشته‌اند سایر نیروها را به انقیاد خود درآورند، بهره‌گیری از فرهنگ

بسیاری از اسطوره‌های جنگ ایران و عراق تحت تأثیر شاخص‌های فرهنگی، مذهبی و تاریخی شکل گرفته است

سیاسی سنتی ایرانی یکی از ابزارهای مهم لازم برای استمرار بقا محسوب می‌شود» (فولر، ۱۳۷۲: ۱۱).

شاخص‌های فرهنگ سیاسی ایران توانست نشانه‌هایی از مقاومت در فضای اجتماعی ایران را به وجود آورد. این امر نشان می‌دهد در دوران جنگ تحمیلی، جلوه‌هایی از «هویت مقاومت» شکل گرفته و آثار خود را در جنبش اجتماعی مقاومت به وجود آورده است. شاخص‌های سازه‌انگاری نیز بر بهره‌گیری از سیاست اجتماعی در فضای کنش منطقه‌ای و بین‌المللی

به فردی را ایفا نماید. به طور کلی مولفه‌های اجتماعی که ونت از آن به عنوان «انواع اجتماعی» نام می‌برد، به رویه‌های انسانی، نشانه‌های فرهنگی و قالب‌های ارزشی، وابسته می‌باشد. در چنین فرآیندی، سرشت آگاهی اجتماعی و هرگونه کنش سیاسی مبتنی بر آگاهی اجتماعی به وجود می‌آید. در فرآیند مقاومت نیروهای اجتماعی ایران در جنگ تحمیلی می‌توان جلوه‌هایی از آگاهی اجتماعی را مورد ملاحظه قرار داد که در قالب‌های ارزشی و اسطوره‌های دینی-تاریخی قرار می‌گیرند. این مولفه‌ها در شکل‌گیری حوادث جدید و تحولات سیاسی-استراتژیک نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند (Wendt, 1989: 17).

تمام شواهد و نشانه‌های تحلیلی سازه‌انگاران بر این نکته دلالت دارد که می‌توان از «دوگانگی دکارتی» معطوف به ترکیب عین و ذهن در تبیین حوادث اجتماعی و بین‌المللی بهره گرفت. زمانی که قالب‌های ارزشی از جایگاه تعیین‌کننده در کنش اجتماعی برخوردارند، می‌توان نشانه‌های دوگانگی ترکیبی عین-ذهن را مورد تأکید و ملاحظه قرار داد. بنابراین مقاومت در روند جنگ تحمیلی، ماهیت معنامحور داشته و نقش عوامل اجتماعی در کنش سیاسی را برجسته می‌سازد. واژه‌ها، مفاهیم، اسطوره‌ها و هیجانات اجتماعی می‌تواند بر روند شکل‌گیری حوادث تأثیر گذارده و از سوی دیگر زمینه‌های کنش معطوف به مقاومت را در فرآیندهایی همانند جنگ ایران و عراق به وجود آورد (Onuf, 1989: 17).

زمانی که انقلاب ایران پیروز شد هنجارهای نهفته در فرهنگ سیاسی ایرانی از تنوع نقش‌آفرینی بیشتری برخوردار گردید. به عبارت دیگر مولفه‌های اجتماعی الهام گرفته از فرهنگ سیاسی شیعه در دوران بعد از انقلاب، جایگاه

تأکید دارد.

به این ترتیب، بهره‌گیری از اندیشه سیاسی و بین‌المللی سازه‌انگاری می‌تواند دلایل شکل‌گیری قدرت مقاومت در ایران را تبیین نماید. در این فرآیند نشانه‌های دینی به همراه فرهنگ سیاسی زمینه مقاومت ایران در دوران جنگ تحمیلی را به وجود آورد. این الگو در دوران‌های تاریخی دیگر نیز مورد استفاده قرار گرفته است. تاریخ نشان می‌دهد هرگاه جامعه ایرانی با تهدید خارجی روبه‌رو بوده، در آن شرایط انگیزه بیشتری برای سازماندهی مقاومت از طریق تهییج افکار عمومی و بهره‌گیری از اندیشه نهفته آنان برای کنش‌گری شکل می‌گیرد. این امر، بخشی از واقعیت سیاسی و فرهنگی ایران در دوره‌های گذشته بوده است. تاریخ سیاسی اجتماعی ایران بیانگر نقش مولفه‌های فرهنگی در کنش همبسته گروه‌های اجتماعی است. در این فرآیند هرگاه تهدیدات گسترش یابند، موج همبستگی اجتماعی به وجود می‌آید. این اصلی‌ترین عامل تولیدکننده قدرت مقاومت در ساختار سیاسی ایران محسوب می‌شود (31): 2005

جنگ ایران و عراق

توانست مولفه‌های فرهنگ

اجتماعی را که در طول

سالیان طولانی، ماهیت دینی

و اجتماعی داشته، به حوزه

نظامی و استراتژیک

انتقال دهد

نقش مولفه‌های فرهنگی در کنش همبسته گروه‌های اجتماعی است. در این فرآیند هرگاه تهدیدات گسترش یابند، موج همبستگی اجتماعی به وجود می‌آید. این اصلی‌ترین عامل تولیدکننده قدرت مقاومت در ساختار سیاسی ایران محسوب می‌شود (31): 2005 (Hutchinson,

چنین فرآیندی را می‌توان در سایر کشورها نیز که دارای آموزه‌های ژرف تاریخی-مذهبی می‌باشند مورد ملاحظه قرار داد. از جمله این کشورها می‌توان به فرهنگ و قدرت مقاومت در

حزب‌الله لبنان اشاره کرد. این گروه، دارای نشانه‌شناسی سیاسی نسبتاً مشابهی با ایران می‌باشد. یکی از دلایل مقاومت جنبش حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ را می‌توان از انعکاس شاخص‌های فرهنگ سیاسی شیعه در کنش امنیتی و استراتژیک، ناشی دانست. آنچه که در ایران، لبنان و یا برخی دیگر از کشورهای خاورمیانه شکل گرفته با قالب‌های ادراکی-هنجاری سازه‌انگاری، هماهنگی و مشابهت دارد. قدرت مقاومت می‌تواند در کشورهایی ظهور کند که از قابلیت فرهنگی خاصی برخوردار باشند و اندیشه مقاومت و واکنش نسبت به فضای اجتماعی نابرابر را در برخورد با فرآیندهای تهدید، مورد استفاده قرار می‌دهند. مقاومت لبنان توانست نشان دهد که قدرت مقاومت در سایر کشورهایی که دارای زیرساخت‌های اندیشه‌ای-ارزشی مشابهی با جمهوری اسلامی ایران هستند، به وجود می‌آید (94): 2007 (Farzaneh,

چگونگی تعامل میان دولت‌ها انعکاس قالب‌های ارزشی-ایدئولوژیک آنان در ارتباط با فضای سیاسی-بین‌المللی بیرونی است. از این روبه هر میزان انگیزه کنش‌گری در بین گروه‌های اجتماعی افزایش یابد، زمینه برای تأثیرگذاری چنین مولفه‌هایی بر ساخت‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش می‌یابد. به طور کلی براساس نگرش سازه‌انگاران می‌توان گفت:

«هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی می‌تواند با روابط نهادینه یافته، شکل بگیرند و تغییر پیدا کنند. آنچه اشخاص می‌خواهند، وابسته به این موضوع است که با چه فرد، گروه یا کشوری تعامل دارند و تا چه حد به آن گروه‌ها وابسته‌اند؟ به هر میزان، اشخاص یا کنش‌گران به ادراکات و برداشت‌های گروه از

بنابراین جنگ ایران و عراق توانست قالب‌های ادراکی- فرهنگی جامعه ایرانی را با نشانه‌های ایدئولوژیک پیوند داده و از طریق ساختار سیاسی تداوم بخشید. در این فرآیند، زمینه شکل‌گیری قدرت مقاومت براساس نشانه‌های فرهنگی سیاسی امکان‌پذیر می‌شود (فارسون و مشایخی، ۱۳۷۹: ۳۶).



۲) شاخص‌های مقاومت اجتماعی در برابر هجوم نظامی عراق

مقاومت ایران در فرآیند دفاع مقدس، تحت تأثیر مولفه‌های اعتقادی و آرمانی قرار داشته است. به عبارت دیگر، می‌توان به این جمع‌بندی رسید که چنین مولفه‌هایی در فرهنگ سیاسی ایران وجود داشته اما با پیروزی انقلاب اسلامی از کارکرد و مطلوبیت اجرایی بیشتری برخوردار شده است. این امر نشان می‌دهد شاخص‌های فرهنگ سیاسی ایران در دوره‌های مختلف تاریخی تحت تأثیر مولفه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی قرار گرفته و در هر مرحله توانسته است زمینه‌های بازسازی و برسازی قالب‌های مفهومی خود را به وجود آورد.

الف: واکنش نسبت به تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی

در چنین فرآیندی، عوامل دیگری از جمله مولفه‌های بین‌المللی توانسته بر فرهنگ سیاسی و رویکرد استراتژیک کشور تأثیر بگذارد. الگوهای مداخله قدرت‌های بزرگ در امور داخلی ایران،

مشروعیت وابسته‌تر باشند، احتمال قوی‌تر سیاست‌ها و رویه‌های تصمیم‌گیری را می‌پذیرند که... از مشروعیت یا سرشت اجتماعی مناسب‌تری برخوردار باشند» (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۵۴).

قدرت مقاومت در روند جنگ تحمیلی، انعکاس چگونگی دریافت و ادراک جامعه ایرانی از تهدیدات خارجی محسوب می‌شود. در شرایطی که جلوه‌هایی از ترکیب تهدید منطقه‌ای و بین‌المللی به وجود می‌آید، انگیزه برای کنش ابتکاری براساس قالب‌های هنجاری و ایدئولوژیک بیشتر می‌شود. در فضای سیاسی سال‌های دهه ۱۹۸۰ «نشانه‌های انقلابی- هویتی جامعه ایرانی» توانست در برابر چنین تهدیداتی ظهور یابد. لازم به توضیح است اگر «قالب‌های هویتی» با «نشانه‌های ساختاری» و «رویکردهای انقلابی» ترکیب شود در آن شرایط زمینه برای شکل‌گیری وضعیتی پدیدار می‌شود که امکان مقابله با نیروهای تهدیدکننده را در وضعیت نابرابر استراتژیک امکان‌پذیر می‌سازد.

بزرگ دانست.

تحقق این امر براساس بهره‌گیری از زیرساخت‌های فرهنگ ایرانی و ایدئولوژی اسلامی، امکان‌پذیر بود. چنین نشانه‌هایی در فرهنگ اسلامی- ایرانی توانست زمینه‌های مقاومت در برابر عراق و سایر قدرت‌های بزرگ را فراهم آورد.

ب: آرمان‌گرایی سیاسی و رسالت‌گرایی ایدئولوژیک

هر جنبش اجتماعی نیازمند مفاهیم و نشانه‌هایی است که براساس آن، زمینه برای کنش گروه‌های اجتماعی فراهم می‌شود. در برخی از مواقع، ضرورت‌هایی از جمله مقاومت در برابر تهدیدات خارجی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در حالی که نشانه‌هایی از رسالت‌گرایی را به عنوان عامل دیگری در شکل‌گیری تحرک و مقاومت اجتماعی، می‌توان مورد توجه قرار داد. ترکیب دو مولفه یاد شده، نه تنها زمینه شکل‌گیری مقاومت اجتماعی را فراهم کرد، بلکه زمینه‌ساز تحقق رسالت‌گرایی ایدئولوژیک نیز گردید.

لازم به توضیح است شاخص‌های دیگری وجود دارند که از مذهب شیعه الهام گرفته و جلوه‌هایی از «آرمان‌گرایی سیاسی» و «رسالت‌گرایی ایدئولوژیک» را ایجاد نموده است. به عبارت دیگر، در دوره جنگ، مولفه‌های تشکیل‌دهنده فرهنگ سیاسی ایران با شاخص‌های ایدئولوژیک پیوند خورده و به نشانه‌هایی از قدرت ملی تبدیل گردیده است. ارزیابی هوشیارانه از تهدیدات و مقاومت در برابر چنین تهدیداتی، فرهنگ سیاسی را به جنبش اجتماعی تبدیل نمود و در این فرآیند، جلوه‌هایی از مقاومت در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعل عراق و قدرت‌های بزرگ به وجود آمد (سریع‌القلم، ۱۳۸۶: ۴۵).

زمینه ایجاد نشانه‌هایی از جمله بیگانه‌هراسی و مقاومت را به وجود آورده است. این امر نشان می‌دهد فرهنگ سیاسی ایران تحت تأثیر حوادث بیرونی به ویژه نقش‌آفرینی بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ قرار گرفته است. جلوه‌هایی از «سوء ظن به محیط بیرونی» و همچنین «بیگانه‌هراسی»، محور اصلی مقاومت در فرهنگ سیاسی ایران محسوب می‌شود. این مولفه‌ها در روند جنگ تحمیلی بازتولید گردید و آثار خود را در این ارتباط بر جای گذاشت (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۳۳۴).

در این فرآیند، ایران توانست در برابر فشارهای بین‌المللی و همچنین حمایت‌های بی‌دریغ کشورهای قدرتمند جهان از عراق، به موازنه استراتژیک نایل گردد. ابزار اصلی صدام حسین در جنگ علیه ایران، بهره‌گیری از ابزارهای قدرت مادی

شکل‌گیری «پارادایم کربلا»
براساس قالب‌های ادراکی،
اعتقادی و استراتژیک سپاه
پاسداران در فرآیند جنگ
تحمیلی تکامل یافت

بود. ایران برای موازنه نیازمند نشانه‌های دیگری از قدرت ملی بود. عراقی‌ها برای تداوم جنگ علیه ایران از ابزارهای متنوع نظامی و استراتژیک بهره گرفته و حمایت قدرت‌های بزرگ را نیز به دست آورده بودند. ایران می‌بایست براساس نیازها و قابلیت‌های داخلی خود به کنش‌گری در برابر عراق مبادرت نماید. مزیت نسبی ایران در این دوره بهره‌گیری از شاخص‌های ایدئولوژیک، ایستارهای ملی و نشانه‌های فرهنگی بود. این مولفه‌ها را می‌توان عامل اصلی تداوم مقاومت ایران در برابر عراق و قدرت‌های

غفلت می‌توانست مخاطرات امنیتی و استراتژیک جبران‌ناپذیری را به وجود آورد. برای خنثی‌سازی چنین احتمالاتی، نهادهای نظامی، اجتماعی و اقتصادی الهام‌گرفته از انقلاب ایران به سرعت سازماندهی شد.

الف: احساس تهدید و سازماندهی نهادهای بازدارنده
احساس تهدید در زمره مولفه‌های روانشناختی محسوب می‌شود که بر انگیزه گروه‌های اجتماعی، واحدهای سیاسی و رهبران انقلاب برای مقابله با تهدید تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، احساس تهدید از یک سو با مولفه‌های اجتماعی پیوند می‌یابد و از سوی دیگر عامل موثری در سازماندهی نهادهایی است که از ماهیت ایدئولوژیک و انقلابی برخوردارند. در چنین فرآیندی، امام

**انقلاب اسلامی ایران بر
شکل‌گیری رهیافت‌های
جدید به ویژه رهیافت‌هایی
که با روح انقلاب و
نشانه‌شناسی مقاومت در
جنگ تحمیلی، نقش
تأثیرگذاری داشت**

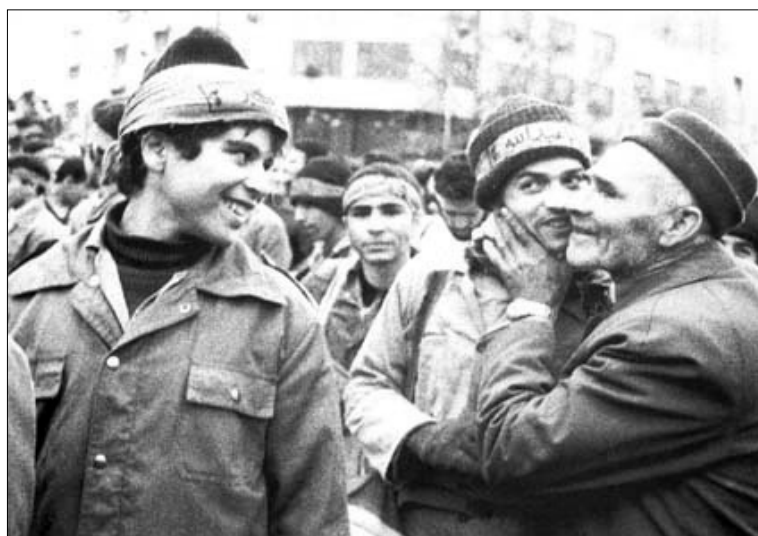
خمینی(ره)، به عنوان رهبر سیاسی جمهوری اسلامی ایران، پایه‌گذار نهادهایی بودند که از یک سو ناشی از ضرورت ساختار سیاسی نوین در ایران بودند و از سوی دیگر انعکاسی از مولفه‌های فرهنگی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شدند. مبانی اصلی اندیشه اسلامی بر تولید قدرت برای مقاومت در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعل استوار است؛ از این رو، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اولین روزهای پس از جنگ شکل گرفت (رفیق‌دوست، ۱۳۸۳-۱۷۳: ۱۷۴). به بیان دیگر،

ج) پیوند بیگانه‌هراسی و رسالت‌گرایی در کنش اجتماعی مقاومت

برخی از تحلیل‌گران بر این باورند در فرآیند جنگ، زمینه برای پیوند مولفه‌های مذهبی، ایدئولوژیک و اعتقادی با آموزه‌های ناسیونالیستی فراهم گردیده است. در این فرآیند، ایران توانست بیگانه‌هراسی را گسترش داده، رسالت‌گرایی را تثبیت نموده و به مقابله با تهدیدات عراق بپردازد (اسپوزیتو، ۱۳۸۶: ۷۹). بررسی شاخص‌های فرهنگ سیاسی ایران نشان می‌دهد آموزه‌های ناسیونالیستی و ایدئولوژیک در هر دو کشور با رویکرد و آموزه‌های فرهنگی سایر واحدهای منطقه‌ای به ویژه اعراب و ترکیه مغایرت دارد. اگرچه بیش از ۵۰ درصد جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند اما قالب‌های مذهبی نمی‌تواند به تنهایی به همبستگی سیاسی گروه‌های اجتماعی ایران و عراق در دوطرف مرز منجر شود. به همین دلیل، بسیاری از تحلیل‌گران اعتقاد دارند شاخص‌های فرهنگی دو کشور بعد از سرنگونی صدام حسین تداوم یافته و در نتیجه امکان بازتولید رقابت‌های سیاسی جدید بین آنها وجود خواهد داشت.

۳) تأثیر نشانه‌های فرهنگی - ایدئولوژیک در فرآیند دفاع مقدس

زمانی که انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید، درک دقیقی از نیروهای تهدیدکننده وجود نداشت. برخی از زمامداران و کارگزاران سیاسی ایران بر این اعتقاد بودند که می‌توان از طریق الگوهای تعاملی همکاری جویانه و فرآیندهای تنش‌زدا، با ظهور و گسترش هرگونه درگیری و جنگ علیه ایران مقابله کرد. این اندیشه به زودی کارکرد خود را از دست داد. فرآیندهای تحول انقلابی در ایران به حدی سریع بود که هرگونه



شکل‌گیری سپاه پاسداران که از نقش محوری در جنگ تحمیلی برخوردار است، براساس ضرورت‌های ایدئولوژیک صورت گرفت. از جمله مولفه‌های ایدئولوژیک که الهام‌بخش مسئولان انقلابی ایران برای سازماندهی نهادهای دفاعی انقلابی بوده است، می‌توان به چگونگی تحلیل اسلامی از نظام بین‌الملل اشاره داشت. از

طبیعی است که برای مقابله با چنین وضعیتی به اقدامات پیشگیرانه مبادرت می‌شود. فولر بر این اعتقاد است که:

«تجربه سیطره امپراطوری‌های نیرومند بریتانیا و روسیه، این احساس را نزد ایرانیان پدید آورده که آنها هیچگاه بر سرنوشت خویش حاکم نبوده‌اند، بلکه تابع تزویرهای اعمال نفوذ خارجی بوده‌اند... این حوادث، سوءظن و بیگانه‌ترسی تاریخی ایرانیان را تقویت می‌کند. به این ترتیب، جلوه‌ای از سوءظن و نخوت نسبت به دنیای خارج با تصمیم جدی برای کسب استقلال و عدم آموزش با قدرت‌های خارجی وجود داشته است. در دنیایی که غالباً زیر سیطره نیروهای خارجی ویرانگری بوده که سعی داشته‌اند ایران را به انقیاد خود درآورند، بهره‌گیری از ابزارهای قدرت، لازمه استمرار بقا محسوب می‌شود» (فولر، ۱۳۷۲-۱۰: ۱۱).

درک تهدیدات محیط منطقه‌ای و بین‌المللی به سازماندهی نهادهایی منجر شد که بتوانند بازدارندگی لازم را در برابر تهدیدات فراروی کشور ایجاد نمایند. اگرچه بازدارندگی به عنوان

این منظر، تهدید، امری واقعی، پایان‌ناپذیر و دائمی خواهد بود. براساس چنین رویکردی، نظام جهانی جلوه‌هایی از ساختار تعارضی را بازتولید می‌کند. این ساختار بر تفکیک حوزه «دارالاسلام» و «دارالکفر» مبتنی می‌باشد. کشورهایی را که در حوزه «دارالکفر» قرار دارند و در فضای تعارضی با اهداف و ساختار اسلامی قرار می‌گیرند، می‌توان به عنوان «دارالحرب» در نظر گرفت. بنابراین در اندیشه اسلامی انقلاب ایران و همچنین تجارب سیاسی-تاریخی ایرانی، «دارالحرب» امری واقعی تلقی می‌شود (رمضانی، ۱۳۸۰: ۴۵).

این اندیشه در فرهنگ سیاسی ایران نیز همواره مورد توجه و بازتولید قرار گرفته است. از یک سو نگاه ایران نسبت به جهان ماهیت ایران‌مداری دارد و ایران‌مداری یکی از ویژگی‌های دائمی فرهنگ سیاسی ایران محسوب می‌شود. از سوی دیگر، همواره جلوه‌هایی از تهدید خارجی بر تصویر ذهنی و ادراکی ایرانیان نقش بسته است. زمانی که تهدید در قالب مولفه‌های ادراکی وجود داشته باشد،

می‌کند. این فرآیند را می‌توان در واکنش جامعه و نیروهای اجتماعی به ترورهای سال ۱۳۶۰ و همچنین پاسخی به تهاجم نظامی عراق قلمداد کرد.

زمانی که جنگ تحمیلی عراق علیه ایران آغاز شد، سازمان‌های یاد شده توانستند زمینه‌های لازم را برای هویت‌یابی و بسیج نیروهای اجتماعی، فراهم آورده و از سوی دیگر به آموزش و سازماندهی عملیاتی آنان مبادرت کنند. «کینگ» و «کارش» در اینباره می‌نویسند:

«جنگ با عراق، رکن

اصلی توسعه سیاسی ایران انقلابی بوده است... این جنگ برای نظام سیاسی ایران نتایج مفیدی داشت... جنگ به عنوان نماد

انعطاف‌پذیری

انقلاب ایران شناخته شده و زمانی که نیروهای عراقی از خاک ایران بیرون رانده شدند این نیرو

را می‌توان به عنوان نماد قدرت پایدار انقلاب ایران دانست» (کینگ و کارش، ۱۳۸۷: ۵۲).

نشانه‌های آرمانی و ایدئولوژیک جذب نیروهای اجتماعی در سپاه پاسداران و سازمان بسیج مستضعفان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. این نیروها در راستای اهدافی چون دفاع از انقلاب و ممانعت از اقداماتی همانند کودتا، براندازی و آشوب سیاسی انجام گرفت. تاریخ یک قرن اخیر ایران نشان می‌دهد قدرت‌های بزرگ، به ویژه آمریکا، از چنین اقداماتی برای حفظ منافع‌شان در ایران بهره

موضوعی روانی تلقی می‌شود، اما دارای آثار و پیامدهای مادی خواهد بود. سازماندهی نیروهای اجتماعی را با عنوان «سازمان بسیج ملی»، که بعداً با عنوان «بسیج مستضعفان» نامگذاری شد، می‌توان در زمره عواملی دانست که انعکاس روح ایرانی برای بازدارندگی در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعل محسوب می‌شود. این نهادها به عنوان ابتکار سازمانی برای مقابله با تهدیدات احتمالی و همچنین تثبیت انقلاب محسوب می‌شوند.

ب: هویت‌یابی اجتماعی و تثبیت انقلاب اسلامی

هویت‌یابی، زمانی ایجاد می‌شود که گروه‌های اجتماعی احساس تهدید کنند. هویت‌یابی، ماهیت واکنشی نسبت به تهدید دارد. تاریخ نشان داده، هرگاه تهدیدات بیرونی علیه جامعه ایرانی شکل بگیرد، در آن شرایط جلوه‌هایی از همبستگی اجتماعی به وجود می‌آید. همبستگی اجتماعی، احساس یگانگی را برای مقابله با تهدید در چارچوب ساختار و نظام سیاسی مشخص افزایش می‌دهد. استراتژیست‌های غربی به این جمع‌بندی رسیده‌اند که ضریب تحرک جامعه ایرانی در شرایط تهدید، بسیار بالا می‌باشد.

بنابراین در چنین فضای ادراکی، بیگانه به جزء لاینفکی از ادراک اجتماعی تبدیل می‌شود که باید با آن مقابله نمود. این امر، انعکاس بیگانه‌ترسی جامعه ایرانی محسوب می‌شود. هویت‌یابی اجتماعی و سازماندهی برای مقابله با تهدیدات، یکی از شاخص‌های قدرت استراتژیک ایران در دوره جنگ تحمیلی محسوب می‌شود. بسیاری بر این اعتقادند که بلعیدن ایران، آسان اما هضم آن دشوار است. در این ارتباط امام خمینی(ره) بارها بر این نکته تأکید کرده بودند که جنگ، ما را سرسخت‌تر

مولفه‌های فرهنگی - ارزشی

در شکل‌گیری «عوامل

تکوینی» فرهنگ سیاسی

مقاومت در ایران تأثیرگذار

بوده است

نیروهای اجتماعی آن هویت خود را از طریق مشارکت در جنگ بازتولید نمودند. جنگ هشت ساله توانست هویت انقلابی را به هویت سازمانی تبدیل نماید. زمانی که جنگ پایان یافت، نه تنها قالب‌های ایدئولوژیک برای مقابله با تهدیدات در روحیه اجتماعی ایرانیان کاهش پیدا نکرد، بلکه جلوه‌هایی از هویت سازمانی نیز پدیدار شد. این امر، ساختار قدرت ایران را در سطح گسترده‌تری تثبیت کرد و جهت‌گیری سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران را از «استراتژی حفظ محور» به «استراتژی توسعه محور» تغییر داد (Katzman, 1993: 81).

ج: سازماندهی بسیج اجتماعی

فرهنگ سیاسی ایران، جلوه‌هایی از کنش سازمان یافته را در جریان مقاومت اجتماعی در برابر هجوم نظامی عراق به نمایش گذاشت. به طور کلی، الگوی رفتار و کنش سیاسی-اجتماعی جامعه ایرانی به حرکت‌های توده‌ای برای مقابله با تهدیدات فرار و معطوف می‌باشد. این در حالی است که در عصر حاضر، جلوه‌هایی از «تهدید سازمان یافته» ظهور پیدا کرده است. برای مقابله با تهدیدات سازمان یافته، کشورهای چون ایران نیازمند بهره‌گیری از نیروهای اجتماعی سازمان یافته است. از این رو، فعال‌سازی نیروهای اجتماعی آموزش دیده و سازمان یافته نظامی مورد توجه قرار گرفت. به طور کلی، بسیجیان ایرانی نقش بسیار موثری در اجرای عملیات نظامی علیه عراق داشته و جهت‌گیری سیاسی آنان به مقابله با تهدیدات برون مرزی معطوف بود.

سازماندهی نیروهای بسیجی از بین گروه‌هایی انجام گرفت که دارای اعتقادات دینی بوده و از سوی دیگر باورهای عمیقی نسبت به حمایت از انقلاب و مقابله با تهدیدات خارجی

گرفته‌اند. کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، برکناری و تبعید رضاشاه در سال ۱۳۲۰، اشغال ایران در زمان جنگ دوم جهانی و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت مصدق را می‌توان در زمره این اقدامات دانست که براساس آن قدرت‌های بزرگ به مداخله در امور داخلی ایران مبادرت نموده و از این طریق اراده خود را بر ساختار سیاسی ایران تحمیل نموده‌اند.

بنابراین ضرورت‌های حفظ و تثبیت ساختار انقلابی در ایران ایجاب می‌کرد چنین نهادهایی به وجود آیند. تاریخ سیاسی ایران، آموزه‌های دفاعی خاصی را برای رهبران انقلاب و گروه‌های اجتماعی به وجود آورد. تهدیدشناسی را می‌توان یکی از عوامل بسیج نیروهای اجتماعی و مشارکت آنان در نهادهای انقلابی برای حفظ و

گسترش انقلاب اسلامی ایران تلقی نمود. اصلی‌ترین کارویژه سپاه پاسداران که در اساسنامه آن مورد تأکید قرار گرفته، حفظ نظام سیاسی ایران در برابر تهدیدات متنوع داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دانست. (Menashri, 1999: 218-219).

در جوامعی که انقلاب سیاسی و اجتماعی شکل می‌گیرد، جلوه‌هایی از پاک‌دینی به وجود می‌آید. چنین نیروهایی از انگیزه آرمانی و اعتقادی برای انجام اقدامات بازدارنده در برابر تهدیدات استراتژیک برخوردارند. انقلاب ایران از جمله تحولات سیاسی مدرن است که

فرآیند مقاومت در جنگ

تحمیلی نشان داد که می‌توان

از طریق کنش انسانی

فرهنگ محور، بر قواعد

جهان مادی و حتی قواعد

تنظیمی تأثیر گذاشت

جمله اسطوره سازی بازتولید شده در ارتباط با قیام امام حسین(ع) و حادثه کربلا را مورد استفاده قرار می دادند. نوحه خوانی یکی از روش هایی بود که قالب های هیجانی این افراد را ارتقا داده و آنان را برای انجام عملیات نظامی انسان محور در روند جنگ آماده می ساخت. نوحه ها با شعارهای حماسی جنگی پیوند یافته بود. در متن هر نوحه جلوه هایی از مظلومیت امام حسین(ع) مطرح می شد و با نشانه هایی از مظلومیت انقلاب ایران در روند دفاع مقدس

پیوند می یافت. هر بسیجی به عنوان نماد ایدئولوژیک دفاع از انقلاب و مقابله کننده با نیروهای مهاجم خارجی محسوب می شد. آنان «پارادایم کربلا» را به عنوان زیرساختی برای شهادت گرایی شکل دادند. از این رو، مشارکت آنها در روند دفاع مقدس از یک

شاخص های فرهنگ سیاسی ایران توانست نشانه هایی از مقاومت در فضای اجتماعی ایران را به وجود آورد

سو ماهیت گفتمانی- ایدئولوژیک پیدا می کرد و از سوی دیگر، زمینه اجرای عملیات های نظامی را فراهم می ساخت. (Farzaneh, 2007: 86).

چنین فرایند نشان می دهد مشارکت نیروهای بسیجی در روند دفاع مقدس صرفاً کنش عاطفی- هیجانی نبود بلکه به موازات چنین مفاهیم و قالب هایی، جلوه هایی از گفتمان سیاسی و ایدئولوژیک نیز محسوب می شد. پارادایم کربلا، آنان را در ارتباط با دفاع از ارزش های ایدئولوژیک نظام سیاسی ایران قرار می داد. به عبارتی می توان گفت در این دوره، قالب های گفتمانی مسلط انقلاب اسلامی ایران در

به ویژه جنگ تحمیلی داشته اند. از سوی دیگر، نیروهای بسیج دارای ویژگی هایی از جمله کنش عاطفی- هیجانی بوده و این امر را می توان ناشی از شرایط سنی و همچنین فضای تراژیک ناشی از حمله نظامی عراق به ایران دانست. به طور کلی، کنش های عاطفی- هیجانی در فضای تراژیک و رمانتیک از کارکرد و مطلوبیت بیشتری برخوردارند. بر این اساس، نیروهایی که در حمایت از ساخت های نظامی و امنیتی ایران برای مقابله با تهاجم عراق و سایر قدرت های بزرگ سازماندهی شدند، دارای قالب های اعتقادی بوده و از سوی دیگر تحت تأثیر خصوصیات روان شناختی اسلام شیعی قرار داشتند.

به این ترتیب یکی از شاخص های فرهنگی- ایدئولوژیک کنش جامعه ایرانی در دوران دفاع مقدس را می توان بهره گیری از نیروهایی دانست که مفاهیم ایدئولوژیک- ارزشی را با قالب های سازمانی جهت انجام اقدامات نظامی در دفاع از حوزه سرزمینی، ایدئولوژیک و انقلابی پیوند دادند. این نیروها توانستند جلوه هایی از «مقاومت نامتقارن» را در فرآیند دفاع در برابر نیروهای تهدیدکننده منطقه ای و بین المللی به نمایش بگذارند. شکل گیری الگوی مقاومت نامتقارن را می توان انعکاس رفتار استراتژیک جمهوری اسلامی ایران دانست. در شرایطی که هیچ گونه موازنه ای در حوزه نظامی و تسلیحاتی بین ایران و عراق وجود نداشت، طبیعی بود که نیروهای اجتماعی سازمان یافته صرفاً از طریق اقدامات فراگیر اجتماعی و کنش در قالب مقاومت نامتقارن^۱ ایفای نقش کنند (4: 2004, Global Security).

شعار نیروهای بسیجی در زمان جنگ ایران و عراق را می توان تداوم جنگ تا پیروزی دانست. از سوی دیگر، آنان واژه های ایدئولوژیک از

بخشی از قالب‌های اعتقادی آنان محسوب می‌شد. در طول تاریخ، مفاهیم و آموزه‌های اعتقادی، توان زایدالوصفی را در ایدئولوژی شیعه ایجاد کرده است. پیوند مفاهیم ناسیونالیستی نظیر حفظ تمامیت سرزمینی با نشانه‌های ایدئولوژیک زمینه حراست از انقلاب و ساختار سیاسی ایران را به وجود آورد. «ارنست گلنر» بر این اعتقاد است که ترکیب دو مولفه یاد شده در حفظ تمامیت سرزمینی ایران نقش موثری داشته است. نیروهای بسیجی با نمادهای مذهبی و اعتقادات دینی خود توانستند یکی از نقاط عطف تاریخ سیاسی و نظامی ایران را در جریان جنگ هشت ساله ایران و عراق رقم بزنند (Gellner 1983: 1).

د: برسازی نقش سیاسی-اجتماعی شیعه

شیعیان در سال‌های بعد از جنگ دوم جهانی توسط نظام‌های سیاسی عرب در محدودیت قرار داشتند. آنان علی‌رغم اینکه در کشورهایی چون عراق، لبنان و بحرین اکثریت اجتماعی را تشکیل می‌دادند، اما سرنوشتی جز محدودیت، سرکوب و حاشیه‌ای شدن پیدا نکردند. گراهام فولر بر این باور است که شیعیان خاورمیانه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به عنوان مسلمانان فراموش شده جهان عرب تلقی می‌شدند (فولر، ۱۳۸۴: ۱۵).

نقش سیاسی و اجتماعی چنین گروه‌هایی در تمام خاورمیانه محدود بود و هیچ‌گونه زمینه‌ای برای ایفای نقش سیاسی پیدا نمی‌کردند. انقلاب اسلامی ایران، معادله قدرت سیاسی و اجتماعی را در خاورمیانه تغییر داد. این تحول، به هویت‌یابی شیعیان در سایر کشورهای خاورمیانه منجر گردید. برخی از تحلیلگران از جمله ولی‌الله نصر، چنین فرآیندی را عامل اصلی تغییر در موازنه قدرت کشورها و گروه‌های اجتماعی

چارچوب «شهادت‌گرایی و اسطوره کربلا»، عامل موثری در تداوم جنگ دفاعی ایران بود. نیروهای بسیجی نه تنها وفاداری به انقلاب را در دستور کار خود قرار داده بودند بلکه وفاداری ایدئولوژیک آنان به شکل‌گیری فرآیندی منجر گردید که به موجب آن، «حماسه کربلا» و «اسطوره عاشورا» یکی دیگر از قالب‌های گفتمانی-ایدئولوژیک در روند دفاع مقدس محسوب می‌شد.

واژه دفاع مقدس از این جهت برای جنگ

ایران و عراق اطلاق

شد که از یک سو

«دفاع سرزمینی» از

اهمیت بسیار زیادی

برخوردار بود و از

سوی دیگر انگیزه

درونی کنش‌گران

دفاع مقدس براساس

نشانه‌هایی از حماسه

کربلا و اسطوره

عاشورا سازماندهی

شده بود. عشق به

زیارت کربلا و بیان

ارادت نسبت به

مظلومیت امام حسین(ع) در کربلا، انگیزه بالایی

را برای این نیروها جهت تداوم جنگ فراهم

می‌کرد. شعار «برای فتح کربلا، پیش به سوی

جبهه‌ها» را می‌توان به عنوان ترجیع‌بند شعار

«جنگ، جنگ تا پیروزی» دانست. هرگاه

ضرورتی برای بسیج گروه‌های اجتماعی جهت

حضور در جبهه‌ها پیش می‌آمد، شعارهایی با این

مضامین مورد استفاده قرار می‌گرفت.

کنش نیروهای بسیجی براساس آموزه‌های

ایدئولوژیک به ویژه «پارادایم کربلا» و حس از

خودگذشتگی و ایثار انجام می‌گرفت. این امر،

در دوران جنگ تحمیلی،

جلوه‌هایی از

«هویت مقاومت» شکل

گرفته و آثار خود را در

جنبش اجتماعی مقاومت

به وجود آورده است

آن در سایر حوزه‌های جغرافیایی نیز قابل توجه خواهد بود. این مفاهیم توانستند شکل جدیدی از قدرت، نفوذ و تأثیرگذاری سیاسی را ایجاد نمایند. از آنجایی که در چنین فرآیندی، جایگاه سیاسی شیعیان ارتقا یافته و آنان به جایگاه و موقعیت جدیدی در سطح منطقه‌ای دست یافتند، از این رو می‌توان گفت نه تنها مفاهیم در حوزه کنش اجتماعی

بازتولید می‌شوند، بلکه قادر هستند شکل جدیدی از قدرت سیاسی را در حوزه اجتماعی کشورهای خاورمیانه بازتولید نمایند (98: 2004 Moussavi).

جان راگی اعتقاد دارد سازه‌انگاری، سیاست بین‌الملل را براساس «هستی‌شناسی رابطه‌ای» مورد توجه قرار می‌دهد. این امر با تأکید بر عوامل فکری و معنوی همانند فرهنگ، هنجارها و انگاره‌ها نقش پیدا می‌کند (4: 1998 Ruggie).

در فرآیند دفاع مقدس، سطح جدیدی از آگاهی شکل گرفت. محور توجه سازه‌انگاری در تبیین فرآیندهای سیاسی و بین‌المللی را می‌توان آگاهی بشری دانست. بنابراین، معنا و مفاهیم، مستقل از زمان و مکان نیستند. پارادایم کربلا در روند دفاع مقدس شکل گرفت اما آثار آن در حوزه‌های جغرافیایی مناطق همجوار ایران برسازی گردید. زمانی که قالب‌های مفهومی-ایدئولوژیک برسازی می‌گردند، معادله قدرت سیاسی و منطقه‌ای نیز تغییر می‌یابد. به این ترتیب، فرآیندی که ایران در دوران جنگ



خاورمیانه می‌دانند (135: 2006 Nasr).

مولفه‌های یاد شده نشان می‌دهد زیرساخت شکل‌گیری گفتمان کربلا، در زمان جنگ ایران و عراق صورت گرفته است. اگرچه بخش قابل توجهی از نظامیان و ارتش عراق را شیعیان تشکیل می‌دادند، اما از آنجا که ایدئولوژی نظام سیاسی عراق بر مبنای ناسیونالیسم عربی و بعثیسم قرار داشت؛ طبعاً این مفاهیم، هیچ نقشی در بسیج نیروهای نظامی و شبه‌نظامی عراق ایفا نمی‌کرد. براین اساس، موج جدید سیاسی خاورمیانه، در دورانی ریشه دارد که نیروهای مقاومت ایران براساس پیوند قالب‌های انگیزشی، عاطفی، ایدئولوژیک و مذهبی خود، توانستند پارادایم جدیدی را در قدرت‌سازی شکل بدهند (5: 1986 Cole and Keddie).

این پارادایم، آثار ثانویه خود را در حوزه خاورمیانه بر جای گذاشت و توانست نشانه‌هایی از «قواعد تکوینی مقاومت محور» را به وجود آورد. به طور کلی وقتی مفاهیم ایدئولوژیک و ارزشی در یک حوزه جغرافیایی می‌تواند نقش سیاسی و استراتژیک ایفا نماید، آثار و پیامدهای

نشانه‌های ملی‌ای همچون «سرود ای ایران» با نوحه‌های «صادق آهنگران» و «غلام کویتی‌پور» کارکرد مشترک و تکمیل‌کننده‌ای داشتند. تمام این نشانه‌های مفهومی، بر ضرورت دفاع و مقابله با نیروی مهاجم تأکید داشتند. به عبارت دیگر، آنان تداوم دفاع مقدس را ضرورت استراتژیکی برای مقابله با کشورهایی می‌دانستند که طی دوران‌های تاریخی مختلف، خصومت خود را متوجه ساختار سیاسی و مفاهیم دینی- اجتماعی ایرانی نموده‌اند. بنابراین، هویت ملی می‌توانست دارای نمادهای سنتی، تاریخی و مدرن باشد. از آنجایی که نشانه‌های مذهبی عامل بسیج گروه‌های اجتماعی محسوب می‌شد و امکان دفاع موثر در برابر تهدیدات عراق و سایر کشورهای منطقه‌ای را امکان‌پذیر می‌ساخت، در نتیجه از مطلوبیت و کارآمدی موثر برخوردار گردید (Halm, 1997: 3).

در این زمینه، مقوله‌ای به نام «عدالت سیاسی» بازتولید شد و بین مفاهیمی همچون «جنگ عادلانه»، «دفاع مقدس» و همچنین «عدالت سیاسی» رابطه ارگانیک برقرار گردید. تأکید مقامات ایرانی به تبیین دلایل تعقیب متجاوز از این جهت بود که نهادهای بین‌المللی توجهی به حقانیت و مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران نداشتند و تمام قطعنامه‌هایی که در ماه‌های اولیه جنگ و تهاجم نظامی عراق علیه ایران صادر شده ماهیت غیرعادلانه داشته است. در فرآیند دفاع مقدس برخی از نشانه‌ها و شاخص‌های عدالت سیاسی بازتولید و برسازای شد. این امر با شاخص‌ها و نشانه‌های مذهب شیعه پیوند یافت. یکی از نکات کلیدی و اساسی مذهب شیعه را می‌توان عدالت دانست. عدالت یک موضوع اجتماعی است که در فرآیند کنش‌گری تحقق می‌یابد. طبعاً نیروی سیاسی که فاقد

تحمیلی فراروی خود قرار داد و براساس آن پارادایم کربلا را به «آموزه دفاع نامتقارن» تبدیل نمود، آثار و پیامدهای خود را در حوزه‌های جغرافیایی خاورمیانه به وجود آورد. از سوی دیگر، این تحول، «سوژه‌های کنش‌گر» جدیدی را شکل داد که می‌تواند جلوه‌هایی از قدرت مقاومت را در سایر کشورها به وجود آورد.

۵: نشانه‌های عدالت سیاسی در دفاع مقدس

گروه‌های اجتماعی ایران دارای گرایش‌های

سیاسی متنوعی

هستند. از این رو

ایران در زمره جوامع

کثرت‌گرای

خاورمیانه قرار

می‌گیرد. علی‌رغم

چنین شرایطی، در

دوران دفاع مقدس،

تمامی گروه‌های

سیاسی، فکری و

تحلیلی بر این اعتقاد

بودند که کنش

نیروهای نظامی و

شبه‌نظامی ایران

ماهیت تدافعی داشته است. آنان بر این اعتقادند

این نیروها توانستند «دفاع مردمی» را جایگزین

«دفاع کلاسیک» کنند و از این طریق، حمایت

خود را با ضرورت‌های «جنگ عادلانه» در روند

دفاع مقدس بیان داشتند (31: 2005

Hutchinson).

گروه‌های مختلف اجتماعی و مجموعه‌های

فکری- تحلیلی متنوعی که وجود داشتند، بر

قالب‌های «هویت ملی» تأکید نمودند و آن را

ترکیبی از مفاهیم فرهنگ سیاسی ایرانی به همراه

قالب‌های ایدئولوژیک قلمداد کردند. از این رو،

به هر میزان انگیزه کنش‌گری

در بین گروه‌های اجتماعی

افزایش یابد، زمینه برای

تأثیرگذاری چنین

مولفه‌هایی بر ساخت‌های

داخلی، منطقه‌ای و

بین‌المللی افزایش می‌یابد

بعد از فتح
خرمشهر، استدلال
استراتژیست‌های
ایرانی این بود که اگر
به عراق فرصت داده
شود، این کشور خود
را بازسازی نموده و
اقدامات تهاجمی
جدیدی را به انجام
خواهند رساند. از
سوی دیگر، از این
مقطع زمانی به بعد
حمایت قدرت‌های
بزرگ از عراق
افزایش یافت. آنان از



ساختار دفاعی عراق حمایت کرده و از سوی
دیگر استراتژی محدودسازی همه‌جانبه ایران را
در دستور کار خود قرار دادند. طی سال‌های
۱۹۸۱ به بعد، تمام قدرت‌های بزرگ از جمله
اتحاد شوروی، چین، آمریکا و همچنین
کشورهای اروپایی حمایت‌های موثر و
تعیین‌کننده‌ای از عراق انجام دادند. در این
شرایط، تنبیه متجاوز، اقدامی سخت اما عادلانه
محسوب می‌شد. از این مقطع زمانی به بعد، نوع
تحلیل کشورهای غربی از اهداف سیاسی ایران
تغییر یافت. آنها تلاش کردند از طریق تغییر در
«موازنه قدرت منطقه‌ای» و حمایت موثر از
عراق، توانایی عملیاتی ایران را برای تحقق
عدالت و تنبیه متجاوز محدود کنند (10: 2004
Aghaie).

حمایت کشورهای اروپایی و آمریکا از عراق
را می‌توان ادامه گفتگمانی دانست که مبتنی بر
«روحیه قوم‌مداری اروپایی» بود. قالب‌های
معنایی و مفهومی جمهوری اسلامی ایران با آنچه
توسط قدرت‌های اروپایی مطرح و پیگیری

انگیزه و روحیه کنش‌گری باشد، نمی‌تواند
حامل یا ایجادکننده عدالت سیاسی باشد
(Kamrava, 2000: 82-85).

عدالت سیاسی در دوران‌های مختلف جنگ
دارای نشانه‌های متفاوتی بود. در مرحله اول
جنگ، که حوزه جغرافیایی و سرزمینی ایران در
اشغال نیروهای نظامی عراق قرار داشت،
عدالت به مفهوم کنش سازمان‌یافته برای
اخراج نیروهای اشغالگر محسوب می‌شد. در
این دوره، مفاهیم ایدئولوژیک و ناسیونالیستی
به همراه گروه‌هایی که حامل چنین
اندیشه‌هایی بودند، بر ضرورت اخراج
نیروهای اشغالگر تأکید داشتند. مرحله دوم
جنگ در شرایطی شکل گرفت که ایران توانست
در عملیات بیت‌المقدس، سرزمین‌های اشغالی
به ویژه خرمشهر را آزاد نموده و به این ترتیب
از اعتماد به نفس بیشتری برای مقابله با عراق
برخوردار شد. این مرحله به عنوان «تعقیب
متجاوز» نامگذاری شده است (114: 2001
Smith).

اسلامی ایران به وجود نیامد. در نگرش ایرانی، ادامه جنگ به عنوان انعکاس هویت ایرانی-اسلامی بود که کشوری انقلابی می‌توانست اهداف خود را در شرایط فشار بین‌المللی به خارج از مرزها منتقل نماید. مقوله صدور انقلاب برخاسته از چنین رویکردی است. به عبارت دیگر، صدور انقلاب نماد پیگیری عدالت سیاسی برای حوزه جغرافیایی خاورمیانه محسوب می‌شد. در این مرحله، تضاد گفتمانی بیش از آنکه به مقابله و محدودسازی عراق معطوف باشد، در نقد توانایی‌ها قدرت‌های بزرگ و کشورهای فرامنطقه‌ای متمرکز بود. امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «هر روز جنگ برای ما نعمت بود و ما در همه ابعاد از آن استفاده کردیم، ما انقلاب مان را با جنگ به دنیا صادر کردیم؛ ما با جنگ، ظلم و ستم متجاوز را ثابت کردیم. با جنگ بود که دشمنان و دوستانمان را شناختیم. در طول جنگ بود که فهمیدیم باید روی پای خودمان بایستیم. با جنگ بود که پشت ابرقدرت‌های شرق و غرب را شکستیم. با جنگ بود که ریشه ثمرات انقلاب اسلامی خود را مستحکم کردیم» (FBIS-11: 1989, SA, February).

در طول جنگ تحمیلی، جمهوری اسلامی ایران توانست شکل جدیدی از گفتمان عدالت سیاسی را تولید و تبیین نماید. جنگ تحمیلی، محور اصلی تولید چنین گفتمانی بود. به طور کلی، اندیشه شیعی توانست از طریق مقاومت و پیگیری نشانه‌هایی همانند جهاد و شهادت، موقعیت خود را در فضای منطقه‌ای و بین‌المللی تثبیت کند. (Moin, 1999: 265).

از نظر مسئولان جمهوری اسلامی ایران، حمله نظامی عراق به ایران و حمایت قدرت‌های بزرگ از این کشور براساس طراحی استراتژیک آمریکا انجام گرفته است. مایکل دابز با نگارش مقاله‌ای در

می‌شد مغایرت داشت. در این مرحله، سومین نشانه عدالت سیاسی در روند دفاع مقدس مورد توجه قرار گرفت. هدف این بود که ایدئولوژی فرادستی قدرت‌های بزرگ کنترل و محدود شود. این امر را می‌توان زمینه‌ساز رویارویی گفتمانی و ایدئولوژیک ایران و جهان غرب دانست که نتیجه آن نیز، رادیکالیزه شدن فضای گفتمانی خاورمیانه بود (متقی، ۱۳۸۸: ۲۲۷).

رویکردهای گفتمانی متفاوت ایران و جهان غرب بر نگرش ایرانیان در ارتباط با عدالت سیاسی تأثیر قابل

ملاحظه‌ای گذاشت.

از نظر جمهوری

اسلامی ایران، نظام

بین‌الملل ماهیت

ناعادلانه‌ای دارد،

بنابراین سیاست

بین‌الملل نیز

ناعادلانه است. لذا

می‌بایست از طریق

گفتمان مقاومت و

بازتولید آن در روند

قدرت و نفوذ

منطقه‌ای، با نظام

ناعادلانه بین‌المللی مقابله نمود. واکنش

قدرت‌های بزرگ به عدالت‌گرایی معطوف به

تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی شدید بود. براون

بر این اعتقاد است جهان غرب باید بتواند با

موانع و محدودیت‌های ناشی از انقلاب‌های

منطقه‌ای و رادیکالیسم سیاسی مبارزه کند. این

رویکرد در جهت مقابله با عدالت‌گرایی سیاسی

و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران ارائه شد (5):

(Brown, 1984).

علی‌رغم فشارهای بین‌المللی علیه ایران،

هیچ‌گونه واکنش انفعالی در مواضع جمهوری

شکل‌گیری سپاه پاسداران
که از نقش محوری در جنگ
تحمیلی برخوردار بود
براساس ضرورت‌های
ایدئولوژیک صورت گرفت

بوده است.

اگرچه جنگ تحمیلی در شرایط و فرآیندی نابرابر شکل گرفت، اما «فرهنگ سیاسی مقاومت» در ایران، عامل اصلی شکل‌گیری انگیزش مقاومت در دوران دفاع مقدس گردید. این مقاله، جلوه‌هایی از پارادایم کربلا و فرهنگ مقاومت شیعی و ایرانی را در برابر تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی منعکس می‌سازد. از سوی دیگر، شاخص‌هایی که مطرح شد بیانگر این واقعیت است که هرگاه چنین تهدیداتی علیه ایران شکل گرفته و یا گسترش یابد، زمینه برای

بهره‌گیری از نشانه‌های فرهنگ سیاسی و ایدئولوژیک ایران در برابر اقدامات تهاجمی به وجود می‌آید.

همبستگی مفهومی و معنایی نشانه‌های مقاومت در اندیشه شیعی و فرهنگ سیاسی ایران را می‌توان یکی از عوامل تداوم مقاومت نیروهای

سازماندهی «بسیج
مستضعفان»، را می‌توان در
زمره عواملی دانست که
انعکاس روح ایرانی برای
بازدارندگی در برابر
تهدیدات بالقوه و بالفعل
محسوب می‌شود

ایرانی در جنگ تحمیلی دانست. جنگ به عنوان عامل کنش سیاسی معطوف به مقاومت محسوب می‌شود، بنابراین طبیعی است که در چنین شرایطی بسیاری از مفاهیم بنیادین ایدئولوژی شیعه با روحیه ایرانی پیوند خورده و قدرت مقاومت و خودآگاهی سیاسی دینی را بازتولید کند. این فرایند براساس معادله قدرت شکل گرفت و بر ساختار و نماد قدرت نیز تأثیر گذاشت. باتوجه به مولفه‌هایی که توضیح داده شد می‌توان گفت:

۱. ایدئولوژی اسلامی در روند جنگ تحمیلی در بسیج گروه‌های اجتماعی ایرانی بسیار موثر بود. قبل از جنگ تحمیلی نیز، ایدئولوژی اسلامی

روزنامه واشنگتن پست به این موضوع پرداخت که حمله صدام به ایران براساس ضرورت‌های امنیت ملی آمریکا شکل گرفته است. بنابراین متحدین منطقه‌ای آمریکا در خاورمیانه حمایت‌های موثر سیاسی، نظامی و اقتصادی را از عراق به انجام رساندند. این امر جلوه دیگری از الگوی رفتار نابرابر آمریکا در برخورد با واحدهای منطقه‌ای انقلابی از جمله ایران محسوب می‌شود (A01: Dobbs, 2002).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران از ماهیت ایدئولوژیک برخوردار بود. شعار «نه شرقی - نه غربی؛» نماد ایدئولوژی سیاسی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. در دوره تثبیت انقلاب اسلامی، فرصت و فضای لازم برای مداخله قدرت‌های بزرگ در امور داخلی ایران فراهم شد. به موازات قدرت‌های بزرگ، کشورهای چون عراق و عربستان سعودی نیز به مقابله با نظام انقلابی ایران برخاستند.

زمانی که انقلاب ایران ماهیت ایدئولوژیک - ارزشی داشته باشد، طبیعی است که فرآیندهای سیاسی مربوط به آن نیز چنین ویژگی‌ای پیدا خواهند کرد. بنابراین جنگ تحمیلی و دفاع مقدس نیز دارای چنین شاخص‌هایی است. در فرآیند جنگ، شاخص‌های فرهنگ سیاسی ایران با قالب‌های ایدئولوژی اسلامی پیوند خورد و «پارادایم کربلا» را شکل داد. «پارادایم کربلا» نمادی از اندیشه شیعی و روحیه ایرانی محسوب می‌شود که قیام کربلا را مورد ستایش قرار داده و آن را به عنوان سرمشق سیاسی و استراتژیک خود می‌داند. در جریان دفاع مقدس، زمینه برای پیوند مولفه‌های ایدئولوژیک و فرهنگی ایرانیان فراهم شد. اگرچه پارادایم کربلا از ماهیت مذهبی برخوردار بود؛ اما برای سالی‌های طولانی، الهام‌بخش ایرانیان برای مقاومت در برابر تهدیدات خارجی و فشارهای سیاسی داخلی

۷. آثار و نشانه‌های مقاومت در دوره جنگ، در دور بعد از آن نیز تداوم پیدا کرد. این امر نشان می‌دهد هرگاه شاخص‌ها و نشانه‌های فرهنگی در فرآیند کنش سیاسی- نظامی قرار بگیرد، قابلیت‌های خود را ارتقا داده و زمینه گسترش توان عملیاتی را به وجود می‌آورد.

۸. برسازي نشانه‌های فرهنگ سیاسی از طریق کنش‌گری و در شرایط دفاع، مقاومت و تولید قدرت محسوب می‌شود. آنچه را به عنوان برسازي اندیشه‌های دینی در دوره جنگ مورد توجه قرار گرفت می‌توان انعکاس هویت ایرانی و ایدئولوژی سیاسی مبتنی بر مذهب شیعه دانست.

زمینه پیروزی انقلاب سیاسی و اجتماعی را در ایران فراهم کرده بود.

۲. کشورهای انقلابی از آمادگی بیشتری برای بهره‌گیری از مولفه‌های ایدئولوژیک برخوردارند. از این رو در جریان جنگ تحمیلی نیز، مولفه‌های ایدئولوژیک با فرهنگ سیاسی ایرانی پیوند خورد. پیوند دو مولفه یاد شده، قدرت کنش نیروهای داوطلب و یگان‌های نظامی ایران را در روند مقاومت نظامی ارتقا بخشید.

۳. «پارادایم کربلا» در تداوم مقاومت نظامی ایران، نقش محوری داشت. این پارادایم براساس نشانه‌هایی از شهادت‌گرایی و حماسه عاشورا شکل گرفت و در دوران جنگ ایران و عراق بازسازی و برسازي گردید.

۴. جلوه‌های دیگری از فرهنگ و اندیشه اسلامی- ایرانی از جمله «خودکفایی» برای تأمین نیازهای عملیاتی ایران در دوران جنگ شکل گرفت. این امر توانست زمینه‌های ارتقا توان ابزاری ایران را فراهم کند.

۵. آموزه‌های ایدئولوژیک انقلاب اسلامی توانست جلوه‌هایی از بسیج اجتماعی را فراهم کند. بسیج اجتماعی به گسترش قدرت ایران برای مقابله با تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی منجر گردید. به عبارت دیگر، بسیج اجتماعی در شرایطی شکل می‌گیرد که زمینه برای گسترش تهدیدات سرزمینی، ساختاری و ایدئولوژیک فراهم شود.

۶. در دوره جنگ تحمیلی، بسیاری از مولفه‌های ارزشی، فرهنگی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ایران در وضعیت برسازي قرار گرفت. عدالت سیاسی، مقاومت اجتماعی و خوداتکایی از جمله چنین نشانه‌هایی محسوب می‌شوند. به این ترتیب در پایان جنگ، نه تنها قابلیت دفاعی ایران کاهش پیدا نکرد بلکه زمینه برای تسری چنین قابلیت‌هایی در چارچوب صدور انقلاب فراهم شد.

منابع و مآخذ

- نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت نرم، ترجمه: محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- نش، کیت و آلن اسکات (۱۳۸۸)، راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه: محمد خزری و دیگران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هالتسی، کی جی (۱۳۷۳)، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه: مسعود مستقیم و بهرام طارم‌سری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه.
- Aghaie, Kamran 2001. Nationalism: Theory, Ideology, History. Cambridge, UK: Polity Press.
- Aghaie, Kamran Scot. 2004. The Martyrs of Karbala: Shi'i Symbols and Rituals in Modern Iran. Seattle: University of Washington Press.
- Akhavi, Shahrough. 1983. The Ideology and Praxis of Shi'ism in the Iranian 'Revolution', Comparative Studies in Society and History. Vol. 25, No. 2.
- Ayoob, Mohammad (1983), Security in the Third World. International Affairs, Vol. 90, No. 1.
- Brown, Carl (1984), International Politics and the Middle East: Old Rules and Dangerous Game, Princeton: Princeton University Press.
- Cole, Juan R. I. and Nikkie R. Keddie, eds. 1986. Shi'ism and Social Protest. New Haven, CT: Yale University Press.
- Cordesman, Anthony H. 1987. The Iran-Iraq War and Western Security 1980-87: Strategic Implications and Policy Options. London: Jane's Publishing Company Ltd.
- Dobbs, Michael. 2002. US Had Key Role in Iraq Buildup, Washington Post, 30 December.
- Ehteshami, A (1990), "Iran's Revolution: Fewer Ploughshares, More Swords", Army Quarterly and Defense Journal. Vol, 120, No, 1.
- Farzaneh, Mateo Mohammad. (2007), Shi'i Ideology, Iranian Secular, Nationalism and the Iran-Iraq War (1980- 1988). Studies in Ethnicity and Nationalism:
- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸)، سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی، ترجمه: ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، تهران: انتشارات مرکز اسناد.
- اسپوزیتو، جان (۱۳۸۶)، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه: محسن مدیرشانه‌چی، تهران: انتشارات مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- برینتون، کرین (۱۳۶۸)، کالبدشکافی چهار انقلاب، تهران: نشر نو.
- پارک، هان و کیونگ پارک (۱۳۷۹)، ایدئولوژی و امنیت، مندرج در امنیت ملی در جهان سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رفیق دوست، محسن (۱۳۸۳)، خاطرات محسن رفیق دوست، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رضائی، روح‌الله (۱۳۸۰)، چارچوب تحلیلی سیاست خارجی ایران، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۶)، فرهنگ سیاسی ایران، تهران: انتشارات پژوهشگاه مطالعات علمی-فرهنگی.
- فارسون، سمیع و مهرداد مشایخی (۱۳۷۹)، فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، ترجمه: معصومه خالقی، تهران: انتشارات مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- فولر، گراهام (۱۳۷۲)، قبله عالم: ژئوپلتیک ایران، ترجمه: عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- فولر، گراهام (۱۳۸۴)، شیعیان عرب: مسلمانان فراموش شده، ترجمه: خدیجه تبریزی، قم: انتشارات موسسه شیعه‌شناسی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: قدرت و هویت، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- کینگ رالف و افرایم کارش (۱۳۸۷)، جنگ ایران و عراق: پیامدهای سیاسی تحلیل نظامی، ترجمه: سیدسعادت حسینی دماپی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۷)، رویارویی غرب معاصر با جهان اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۸)، نظام دوقطبی و جنگ ایران-عراق، تهران: انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۸۶)، فرهنگ سیاسی ایران، تهران: نشر فرهنگ صبا.



New York: Random House.

Vol. 7, No. 1.

- Wendt, Alexander (1995), "Constructing International Politics", International Security, Vol. 20, No. 1.

- Gellner, Ernest. 1983. Nations and Nationalism. New York: Cornell University Press.

- Gieling, Saskia. 1999. Religion and War in Revolutionary Iran. New York: I.B. Tauris Publishers.

- Hagopian, M.N (1994), the Phenomenon of Revolution, New York: Dodd, Mead and Co.

- Halm, Heinz. 1997. Shi I Isalm: From Religion to Revolution. Translated from German by Allison Brown. Princeton: Markus Wiener Publishers.

- Hutchinson, John. 2005. Nations as Zones of Conflict. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

- Kinzer, Stephen. 2003. All the Shah's Men: an American Coup and the Roots of Middle East Terror. Hoboken, NJ: John Wiley & Sons Publishing.

- Menashri, David. 1990. Iran: A Decade of War and Revolution. New York: Holmes & Meier Publishers.

- Moin, Baqer. 1999. Khomeini: Life of the Ayatollah. New York: St. Martin's Press.

- Moussavi, Ahmand Kazim. Shi'ite Ulama and Political Power. Maryland: IBEX Publishers.

- Nafisi, Rasool. 1992. Education and the Culture of Politics in the Islamic Republic of yIran, Iran: Political Culture in the Islamic Republic. Farsoun K, Samih and Mashayekhi, yMehrdad eds. New York: Routledge.

- Onuf, N. (1989), World of Our Making: Rules and Rule in Social Theory and International Relation. Columbia: University of South Carolina Press.

- Risse, T. (2000) Let's Argue: "Communicative Action in world Politics." International Organization, Vol. 54, No 1.

- Vali Nasr (2006) The Shia Revival: How Conflicts Within Islam Will Shape the Future, New York: Norton& Company.

- Waltz, Kenneth. 1979, Theory of International Politics.